



مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده*

معصومه نعمتی قزوینی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسؤؤل)

طاهره ایشانی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده:

انسجام در قرآن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان قرار داشته است. در مقابل نظریه برخی از شرق‌شناسان مبنی بر عدم برخورداری قرآن از نظم و انسجام، اندیشمندان اسلامی جهت رد این مسأله، با روش‌های گوناگون به اثبات نظم در قرآن پرداخته‌اند. کهن‌ترین نظریه انسجام در قرآن متعلق به جرجانی است که به نظریه «نظم» معروف است. پس از جرجانی نیز شمار بسیاری از پژوهشگران و مفسران به اثبات این نظریه پرداخته‌اند. با وجود این، هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته در پی ارائه الگویی دقیق و مشخص برای سنجش انسجام در قرآن نبوده‌اند. با توجه به چنین خلأیی از یک سو و نیز ضرورت تبیین بیش از پیش جلوه‌های اعجاز قرآن برای نسل حاضر از سوی دیگر، پژوهش حاضر به مقایسه عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از طاهره صفارزاده اختصاص یافته است. در این مقاله عوامل انسجام متن بر اساس الگوی «هلیدی و حسن» با روش توصیفی-تحلیلی و آماری مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد ضمن وجود تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی، هر دو متن از انسجام بالایی برخوردارند.

کلیدواژه‌ها:

قرآن حکیم / متن / انسجام / عوامل انسجامی / سوره اعلی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۵/۱۰.





پیش‌گفتار

مسئله انسجام در قرآن از دیرباز مسأله‌ای چالش برانگیز بوده و از این رو مورد توجه پژوهشگران حوزه قرآنی و نیز شرق‌شناسان قرار داشته است. به‌ویژه آنکه شماری از شرق‌شناسان نظریه عدم وجود انسجام در قرآن را مطرح کرده و به روش‌های گوناگون سعی در اثبات آن داشته‌اند. از جمله اینکه «بارتلمی» معتقد است: «اگر بخواهیم به اخبار مربوط به ترتیب نزول سوره‌ها مراجعه کنیم، در خواهیم یافت که روایات وارده در خصوص ترتیب سوره بسیار مضطرب و لرزان است. اگر بخواهیم آیات داخل یک سوره را هم بررسی کنیم، به این مشکل برخورد خواهیم خورد که برخی مکی و برخی مدنی‌اند. آنچه از میان تمامی اخبار مغشوش و مشوش یقینی است، این است که محمد ﷺ با مرگ غافلگیر شد و فرصت گردآوری قرآن را نیافت.»

وی در نهایت این گونه نتیجه می‌گیرد که بهتر است قرآن را به همین حالت و در همین وضعیت بسیار بی‌نظم رها کنیم و خود را با موضوع جمع قرآن مواجه نکنیم. (خوش منش، ۳۵)

«ونزو برو» نیز قرآن را فاقد هرگونه نظم و ترتیب منطقی می‌داند. (همان، ۳۸) «نولدکه» مستشرق آلمانی، در مقاله خود در دایرة المعارف بریتانیکا، ذیل ماده «قرآن» می‌نویسد:

«با اینکه این کتاب از جنبه زیبایی و هنری در مقام اول است، اما ربط ضروری، چه در تعبیر یا در تسلسل حوادث، بیشتر مواقع در آن مفقود است.» (بی‌آزار شیرازی، ۳۷۸)

«ریچارد بل» مستشرق اروپایی و کسی که ترجمه‌ای تفسیری را از قرآن به انگلیسی به عمل آورده، از ناپیوستگی قرآن سخن گفته و برای آن دلیل تاریخی ذکر کرده است. وی در مقدمه ترجمه خود بر قرآن می‌نویسد:

«یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن این است که جسته جسته است. به ندرت می‌توان در طول بخش عمده‌ای از یک سوره، اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد.» (زمانی و قانعی اردکانی، ۳؛ به نقل از خرمشاهی، ۴۵)





«گوستاو لوبون» فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی در «تاریخ تمدن اسلام و عرب» می‌گوید:

«قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، منحصر به دستورات مذهبی تنها نیست، بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است. اگر چه قرآن از جانب خدا نازل شده، لیکن ارتباط بین اجزای آن با هم خیلی کم است. کلمات و عبارات آن حیرت‌انگیز، لیکن روابط بین غالب مطالب و فقرات آن مقطوع و نیز دلایل منطقی در آن اکثراً غیر مذکور است و یک علت آن هم این است که قرآن روزبه‌روز طبق پیش‌آمد و احتیاجات وقت بر پیامبر نازل می‌شد. به عبارت دیگر، هر وقت حاجتی پیش می‌آمد و یا با اشکالی برمی‌خوردند، برای رفع آن جبرئیل نازل شده، آیه‌ای می‌آورد و آن فوراً جزء قرآن می‌گردید.» (لوبون، ۱۱۷ و ۱۲۷)

نمونه‌های این گونه نظرات از جانب شرق‌شناسان مطرح شده که ذکر همه آنها در این مجال نمی‌گنجد.

این درحالی است که مسلمانان از دیرباز معتقد به وجود انسجام در قرآن بوده و این مسأله را از خلال پژوهش در «نظم»، تحلیل و بررسی نموده‌اند. غالباً نظریه نظم در قرآن به عبدالقاهر جرجانی نسبت داده شده و از اندیشه‌های ابتکاری وی به‌شمار می‌آید. وی از ارتباط میان ساختار اندیشه و ساختار زبان سخن به میان آورده و انتظام بین لفظ و معنا را انعکاس نظم ذهنی برمی‌شمرد. (جرجانی، ۴۴؛ زرّین کوب، ۷۲۴/۲)

گفتنی است پیش از جرجانی نیز اصطلاح «نظم القرآن» در مبحث اعجاز به‌کار رفته بود. جاحظ نخستین کسی است که «نظم» و «تألیف» قرآن را برهانی عظیم دانسته است (جاحظ، ۳۸۳/۱). ابن ندیم نیز از چندین مؤلف یاد کرده است، از جمله از جاحظ و ابن‌اخشید و ابوعلی حسن بن علی بن نصر که کتاب‌هایی با عنوان «نظم القرآن» داشته‌اند. باقلانی هم تصریح کرده که اعجاز قرآن در حروف آن نیست، بلکه در نظم، انضمام و چینش آنهاست (باقلانی، ۱۷۷-۱۷۸). قاضی عبدالجبار نیز





فصاحت را نه در اجزای کلام به‌تنهایی، بلکه در پیوند میان آنها می‌داند. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۹/۱۶)

در واقع این بحث به‌طور پراکنده در آثار دانشمندان پیش از جرجانی مطرح بوده، ولی مبتکر این نظریه، جرجانی است که زمینه‌ساز علم معانی، به‌عنوان دانشی مستقل در نظر گرفته شد. (ضیف، ۱۸۹؛ احمد بدوی، ۳۵۳)

برخی نیز مسأله انسجام در قرآن را از دیدگاه علم مناسبت که یکی از زیرشاخه‌های نظم است، مورد بررسی قرار داده‌اند. علم مناسبت به بررسی حکمت قرارگیری آیات و سوره‌ها در کنار هم می‌پرداخت. نخستین کسی که در این باره اندیشیده، ابوبکر نیشابوری است (اسماعیلی زاده و نساج، ۱۵۱). پس از وی نیز شمار بسیاری به بررسی تناسب آیات و سوره‌ها پرداختند؛ از جمله ابن العربی مالکی در کتاب «سراج المریدین» و یا طبرسی در کتاب «مجمع البیان» و یا فخرالدین رازی در تفسیر «مفاتیح الغیب». (همان، ۱۵۴)

با آغاز قرن چهاردهم، تحولی شگرف در روش‌های تفسیری پدید آمد و این نکته که سوره‌ها واحدهایی پیوسته هستند و هر سوره غرضی دارد، بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت (خامه‌گر، ۱۹۸). از پیشگامان این نظریه می‌توان به محمد عبده و سپس شاگرد وی رشید رضا اشاره کرد (همان). پس از این دو، سید قطب و حمیدالدین فراهی نیز درباره انسجام هر سوره از قرآن سخن گفته‌اند (همان، ۱۵۶). در میان اندیشمندان معاصر نیز سید محمود طالقانی در کتاب «پرتوی از قرآن» به ارتباط میان آیات توجه داشته و به هنر بیان و زبان قرآن از حیث آواشناسی و ارتباط ارگانیک آواها با معانی اشاره کرده است. مثلاً در شرح آیات ۲۲ و ۲۳ سوره بقره، بخشی را به بیان نظم و پیوستگی این آیات با آیات پیشین اختصاص داده است. (طالقانی، ۸۵/۱)

در این زمینه مفسران و محققان بسیار اظهار نظر نموده‌اند که شرح آن در این مجال اندک نمی‌گنجد.

از آنچه بیان شد، معلوم می‌گردد پژوهش‌های بسیاری از دیرباز به مسأله انسجام در قرآن پرداخته است که البته در هیچ یک از آنها الگویی معین و منسجم برای





اندازه‌گیری میزان انسجام متن ارائه نشده است. درحالی که پژوهش حاضر در پی ارائه الگوی معینی برای اندازه‌گیری انسجام در متن قرآن است. لازم به یادآوری است در ایران برخی پژوهش‌ها در این زمینه صورت گرفته که عبارتند از:

۱. عوامل انسجامی در قرآن: سوره یوسف، مجید فصیحی هرندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. مطالعه مفهوم انسجام زبانی در قرآن کریم، شکوه آذرنژاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور.

۳. مقاله «انسجام واژگانی در قرآن: بررسی سوره نور بر پایه نظریه هلیدی و حسن»، حسین رجبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، کرمانشاه، دانشگاه رازی.

۴. مقاله «مناسبات زبانی و یا زنجیرمندی خرد و کلان در قصص قرآنی»، ابوالفضل حری، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۴.

۵. مقاله «ارتباط و پیوستگی آیات قرآن در سیر تاریخی آن»، عباس اسماعیلی‌زاده و مریم نساج، مجله آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۴.

۶. مقاله «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق‌شناسان و آیت الله طالقانی»، ابوالفضل خوش‌منش، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۸.

۷. مقاله «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، امیر ذوقی، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲.

۸. مقاله «پیوستگی متنی سوره‌های قرآن کریم»، سیدمهدی لطفی، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲.

البته شایان یادآوری است چهار پژوهش نخست بر اساس نظریه اولیه هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ است که نشان می‌دهد پژوهشگران محترم از ادامه و تکمیل این نظریه توسط رفیق حسن در سال ۱۹۸۴ و همچنین هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵ بی‌اطلاع بوده‌اند. در اثر پنجم نیز مؤلفان تنها به سیر تاریخی بررسی انسجام در قرآن پرداخته‌اند و از این حیث مقاله صرفاً جنبه نظری دارد، بدون آنکه هرگونه تحلیلی درباره انسجام در قرآن صورت گرفته باشد. در مقاله ششم نیز مؤلف تنها به





بررسی آراء و اندیشه‌های شرق‌شناسان درباره انسجام قرآن و نیز مسأله تدوین قرآن از دیدگاه محققان اسلامی پرداخته است. از این رو این مقاله نیز صرفاً جنبه نظری دارد. همچنین در مقاله هفتم مؤلف ضمن نقدی مختصر بر دیدگاه‌های پیشین، نگره‌ای نو را در سنجش انسجام متن ارائه کرده که خود تلفیقی از نظرات پیشین است. در مقاله آخر نیز مؤلف دو سوره «طور» و «قارعه» را بر اساس الگوی انسجام ۱۹۷۶ هیلیدی و حسن مورد بررسی قرار داده است.

بنابراین با توجه به پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، مقاله حاضر بر آن است تا با توجه به نظریه تکامل یافته انسجام (Halliday & Hasan, 1985; Hasan, 1984)، عوامل انسجام را در سوره مبارکه «اعلی»^۲ و ترجمه فارسی آن از طاهره صفارزاده^۳ بررسی نموده و با پیش‌فرض وجود انسجام در قرآن کریم، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- بر پایه نظریه انسجام و پیوستگی، انسجام سوره اعلی (با وجود مضامین متنوع) و ترجمه آن چه میزان است؟

- عوامل انسجام متن در سوره اعلی و ترجمه آن کدامند؟

- کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی با ترجمه آن چه تفاوتی دارد؟

- با توجه به عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن، صفارزاده تا چه میزان

در ترجمه این سوره موفق بوده است؟

نظریه انسجام هیلیدی و حسن

هیلیدی و حسن نخست در سال ۱۹۷۶ ابزارهای آفریننده انسجام متن را در زبان انگلیسی، به سه دسته تقسیم کردند: ابزارهای دستوری شامل ارجاع (Reference)، جای‌گزینی (Substitution) و حذف (Ellipsis)، ابزارهای پیوندی که عبارت است از حروف ربط (Conjunctives)، ابزارهای واژگانی شامل تکرار (Reiteration) و هم‌آیی (Collocation). آنها در سال ۱۹۸۵ این تقسیم‌بندی را در اثر مشترک دیگر خود^۴ گسترش دادند. شکل تغییریافته تقسیم‌بندی این دو زبان‌شناس را در جدول ۱ به اختصار نشان داده‌ایم.



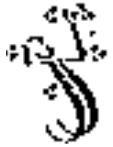


جدول ۱- اجزای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, 1985:82)
انسجام غیرساختاری (non-structural cohesion)

روابط عناصر سازنده (componential relations)	روابط انداموار (organic relations)
عناصر (device)	رابطه نوعی گره (typical tie relation)
عوامل انسجام دستوری	۱. پیوندی (conjunctives)
الف. ارجاع (reference)	۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs)
۱. ضمیری (pronominals)	مثلاً: جوابی که بعد از سوال می‌آید، پذیرش که پس از پیشنهاد می‌آید و...
۲. اشاری (demonstrative)	
۳. حرف تعریف (definite article)	
۴. مقایسه‌ای (comparative)	
ب. چالشی و حذف (substitution & ellipsis)	
۱. اسمی (nominal)	
۲. فعلی (verbal)	
۳. جمله‌ای (clausal)	
عوامل انسجام وازگانی	- تشریحی (confirmative)
الف. عام (general)	مثلاً: هنوز
۱. تکرار (repetition)	
۲. هم‌معنایی (synonymy)	
۳. تضاد معنایی (antonymy)	
۴. جزء و کل (meronymy)	
ب. نمونه‌ای (instantial)	
۱. برابری (equivalence)	
۲. نام‌گذاری (naming)	
۳. تشابه (semblance)	

انسجام ساختاری (structural cohesion)

الف. تراز (parallelism)
ب. بسط مبتدا - خبر (theme-rheme development)
ج. سازماندهی (اطلاعاتی): کهنه و نو (given- new organization)



هلیدی و حسن روابط بین‌جمله‌ای متن را انسجام متنی (Textual Cohesion) نامیده و آن را بدین صورت تعریف کرده‌اند: «انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به‌عنوان یک متن، از غیر متن جدا و مشخص می‌نماید». انسجام به‌صورت بالقوه، در عناصر نظام زبانی همچون ارجاع، حذف، جانشینی و... که درون زبان قرار دارند، نهفته است؛ اما عینیت یافتن آن در هر مورد، به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل گرفتن «گره» (Tie) و سپس ارتباط این عناصر با یکدیگر به‌صورت «زنجیره» (Chain) منجر می‌شود. آنچه یک عنصر را





با دیگر عنصرهای انسجامی مربوط می‌کند، گره نامیده می‌شود. گره که تعبیری دیگر از دوتابودن است، در بررسی و تحلیل عوامل انسجام در یک متن، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. (هلیدی و حسن، ۷۳)

بنابراین به‌طور کلی به‌وسیله انسجام می‌توان ارتباط‌های موجود در یک متن را توضیح داد. شایان ذکر است که براساس این نظریه و چنان‌که در جدول ۱ می‌بینیم، انسجام در دو حوزه ساختاری و غیرساختاری بررسی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفتیم، از آنجا که پژوهش حاضر براساس کتاب مشترک هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵ انجام شده است و انسجام غیرساختاری با توجه به عوامل انسجام دستوری و واژگانی در اثر یاد شده مورد نظر است، در این مقاله نیز انسجام متن را با این رویکرد تحلیل کرده‌ایم. پیش از شروع تحلیل، لازم است از تعریف این عوامل به‌صورت مختصر یاد کنیم.

۱. انسجام دستوری

در این بخش به مباحث زیر می‌پردازیم:

الف) ارجاع

ارجاع عبارت است از اینکه صورت‌های ارجاعی برای تفسیر، به چیزی دیگر پیش یا پس از خود ارجاع داده شوند. ارجاع دو گونه است: یکی ارجاع برون‌متنی (Exophoric Reference) و دیگری ارجاع درون‌متنی (Endophoric Reference).

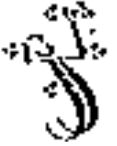
در ارجاع درون‌متنی، مرجع، عنصری است در درون متن. ارجاع درون‌متنی بر اساس موقعیت مرجع نسبت به عنصر ارجاع، بر دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) ارجاع پیش‌مرجع (Anaphora) که در آن، عنصر ارجاع، به‌صورتی بسیار صریح و روشن، پیش از مرجع (Antecedent) قرار می‌گیرد.

ب) ارجاع پس‌مرجع (Cataphora) که در آن، عنصر ارجاع، پس از مرجع خود قرار می‌گیرد.

در توضیح ارجاع برون‌متنی می‌توان گفت وقتی عنصری در متن به موردی خارج از متن اشاره کند و درک آن وابسته به موقعیت و محیطی باشد که متن در آن واقع





شده است، عنصر مورد نظر از نوع برون مرجع است. اما نکته مهم این است که تنها ارجاع درون متنی سبب ایجاد انسجام در متن می شود؛ چون گره‌ها یا روابط انسجامی بین جمله‌ها، متن را به وجود می آورند، درحالی که ارجاع برون متنی به تولید متن کمک می کند؛ یعنی باعث پیوند متن با بافت موقعیت می شود. (همان، ۳۷-۳۱)

ب) جانشینی

جانشینی یکی از انواع روابط انسجامی است که در آن به جای تکرار یک صورت خاص در متن، از واژه‌ای دیگر استفاده می شود. جانشینی رابطه‌ای بین واژه‌هاست، نه معانی؛ بنابراین انواع جانشینی به لحاظ دستوری طبقه‌بندی شده‌اند. عنصر جانشین می تواند اسم، فعل یا جمله باشد.

ج) حذف

حذف نیز همانند جانشینی، از جمله عوامل مؤثر در ایجاد انسجام در متن است و میان عناصر، رابطه معنایی برقرار نمی کند، بلکه رابطه‌ای واژی- دستوری را بنیاد می نهد که در آن، عنصری حذف می شود. حذف نیز مانند جانشینی، بر سه نوع تقسیم می شود: حذف اسمی، حذف فعلی و حذف جمله‌ای. بنابراین عنصر حذف شده می تواند اسم، فعل یا جمله باشد.

۲. انسجام واژگانی

این گونه انسجام در نتیجه حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می آید و مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی شان با یکدیگر دارند. متن به واسطه این روابط، تداوم و انسجام می یابد. (همان، ۳۱۰)

رقیه حسن عوامل انسجام واژگانی را به دو دسته عام (General) و نمونه‌ای یا موردی (Instantial) بدین شرح تقسیم کرده است (رقیه حسن، ۲۰۳-۲۰۱):





یکم. انسجام واژگانی عام

مقوله‌های زیر در این مجموعه قرار می‌گیرند:

الف) تکرار (Repetition)

این رابطه هنگامی رخ می‌دهد که واژه‌ای در متن عیناً تکرار شده باشد. به عبارت دقیق‌تر، بین دو واژه، از نظر آوایی و معنایی، تفاوتی وجود نداشته باشد. «سالکی» معتقد است:

«در یک متن، واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک بار تکرار شده‌اند، اما آنچه که سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن است. بسیاری از واژه‌های دستوری (Function Words) همانند حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن، زیاد مورد استفاده قرار گرفته باشند. هرچند که این واژه‌ها نیز در انسجام متن تأثیرگذارند، اما در نقش مورد نظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود، بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متنی (Context Words) معروفند، در متن دارای نقش انسجامی هستند.» (سالکی، ۵)

ب) هم‌معنایی (Synonymy)

این رابطه نوعی دیگر از تکرار است که در آن، کلمه‌های مترادف در متن، انسجام واژگانی ایجاد می‌کنند. باطنی در شرح هم‌معنایی نوشته است:

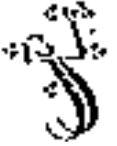
«استعمال کلمات هم‌معنا در نوشته‌های علمی بسیار نادر است؛ زیرا مفاهیم علمی، دقیق و عاری از هاله‌های عاطفی است که معمولاً کلمات عادی زبان را احاطه نموده است. ولی استعمال آنها در نوشته‌های ادبی و در زبان محاوره، فراوان است. گاهی اوقات غرض از استعمال کلمات هم‌معنا، گریز از تکرار یا ایجاد تنوع است، ولی گاهی برای آن است که معنا را روشن‌تر، محکم‌تر و مؤثرتر نماید. در زبان فارسی، تعداد زیادی عبارات و اصطلاحات از طریق دوم ایجاد می‌شوند.» (باطنی، ۲۲۹)

ج) تضاد معنایی (Antonymy)

در این گونه رابطه، واژه‌ها یا واحدهای واژگانی، معنایی متضاد با یکدیگر دارند.

د) شمول معنایی (Hyponymy) یا جزء و کل (Meronymy)





شمول معنایی رابطه‌ای است که میان یک طبقه عام و زیرطبقه‌های آن به وجود می‌آید. رقیه حسن در توضیح شمول معنایی نوشته است:

«در شمول معنایی، عنصری که در طبقه عام قرار می‌گیرد، فراگیرنده (Superordinate) نامیده می‌شود و عناصری که در زیرطبقه‌های آن قرار دارند، واژه‌های مشمول (Hyponyms) نام دارند».

وی در ادامه آورده است:

«جزء و کل (Meronymy) مانند رابطه درخت، شاخه و ریشه است که در این نمونه، شاخه و ریشه تحت عنوان «هم‌جزء» (Co-Meronymy) در زیرمجموعه درخت به عنوان فراگیرنده، این نوع ارتباط را به وجود می‌آورند.» (هلیدی و حسن، ۸۱-۸۰)

دوم. انسجام واژگانی موردی یا نمونه‌ای

عواملی همچون برابری (Equivalence)، نام‌گذاری (Naming) و تشابه (Semblance) در این مجموعه قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که برای عامل واژگانی موردی نمی‌توان نمونه‌ای خارج از متن به دست داد؛ زیرا در این مورد، مثال‌ها تنها در آن متن، عامل انسجامی به شمار می‌روند. مثلاً در متنی که عامل انسجامی «او» به شخصی به نام «مریم» ارجاع داده می‌شود، ارجاع تنها در همان متن صورت می‌گیرد، نه در دیگر متن‌ها. به همین سبب، رقیه حسن این‌گونه عوامل انسجام واژگانی را محدود (مقید) به متن (Text-Bound) دانسته و معتقد است اعتبار این عامل به‌عنوان محصولی مخصوص همان متن است و در نظام زبانی توسعه نمی‌یابد. به عبارت دیگر، این عامل تنها در همان متن از طریق بافت زبانی معتبر است. (رقیه حسن، ۲۰۱)

۳. گره

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم، آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، گره نامیده می‌شود. گره، عنصری از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر مرتبط می‌کند.





روش تحلیل انسجام

پس از معرفی اصول اولیه این نظریه، لازم است روش بررسی انسجام را در یک متن توضیح دهیم. برای نشان دادن انسجام در یک متن، انجام دادن مراحل زیر به ترتیب ضروری است:

- الف) تقسیم کردن متن به بندها (جمله‌واره‌ها (clause))ی تشکیل دهنده.
- ب) نوشتن واژه‌های موجود در هر بند بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و... به صورت جداگانه.
- ج) یافتن عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن از میان واژه‌های نوشته شده (کل نمونه‌ها).
- د) قرار دادن این عوامل در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسانی و شباهت، و محاسبه نمونه‌های شرکت کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط).
- ه) محاسبه درجه انسجام متن (محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها).

تحلیل انسجام در سوره اعلی

پس از تقسیم آیات به بندها و جدانویسی هریک از واژه‌های موجود در این بندها، این واژه‌ها بر این اساس که جزء کدام یک از عوامل انسجامی هستند و با یکدیگر چه نوع رابطه‌ای دارند، در زنجیره مربوط بدان‌ها قرار داده شد. در جدول ۲ این عوامل نشان داده شده است. بر اساس این جدول، تعداد کل نمونه‌ها ۸۷ مورد است. شایان ذکر است که این عوامل به صورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست این جدول، شماره آیه و شماره جمله با توجه به شکل تفکیک شده در بخش (ب) مشخص و سپس واژه‌های هر جمله به صورت افقی نوشته شده است.





چنانچه مشاهده می‌شود، واژه‌های موجود در هر جمله به‌گونه مجزاً و افقی کنار هم گذاشته شده است. به‌عنوان مثال جمله ۱ از آیه ۱ عبارت است از «بسم الله الرحمن الرحیم» که در واقع به این صورت بوده است: «أنا أبدأ بسم الله الرحمن الرحیم». در این جمله «أنا» و «اسم الله» در یک ستون قرار می‌گیرند، زیرا منظور از «أنا» خداوند است و «اسم الله» نیز از جهت معنایی مربوط و وابسته به واژه «أنا» است. «الرحمن» و «الرحیم» نیز دو صفت تقریباً هم‌معنا هستند که در کنار هم در یک ستون نوشته شده‌اند. فعل جمله یعنی «أبدأ» نیز در ستونی مستقل قرار گرفته است.

در جمله ۲ از آیه ۱ نیز که در اصل «أنت سبح» بوده، «اسم رب» با «اسم الله» در یک ستون زیر هم قرار می‌گیرند، زیرا این دو واژه از جهت عامل انسجامی، رابطه هم‌معنایی با یکدیگر دارند. در همین جمله واژه «اعلی» که از صفات خداوند است، با «الرحمن و الرحیم» ارتباط انسجامی از نوع جزء و کل دارد، از این رو می‌توانند در یک ستون مشترک در زیر هم قرار بگیرند. در ادامه، فعل «سبح» با فعل «أبدأ» نیز در یک ستون عمودی و در واقع در یک مجموعه قرار می‌گیرند، زیرا نوع ارتباط آنها با یکدیگر جزء و کل است. علاوه بر این، دو فعل مذکور از دیدگاه زبانشناسی نقشگرا، از یک نوع فرایند، یعنی فرایند لفظی یا کلامی به‌شمار می‌آیند و در نتیجه جزء و کل محسوب می‌شوند. واژه «أنت» که با واژه‌های پیشین هیچ نوع رابطه‌ای ندارد نیز به‌طور جداگانه در ستونی مستقل قرار می‌گیرد. برای تکمیل جدول، لازم است همه جملات تشکیل دهنده متن سوره به همین منوال در جدول قرار گیرند.

در جدول ۳ عوامل ایجاد کننده انسجام دستوری و واژگانی همراه با زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع رابطه آنها به‌صورتی دقیق‌تر بیان شود. مثلاً در جدول ۳ «هو» در جمله ۱۲ به «الله» در جمله ۱۱ اشاره دارد و زیرمجموعه ارجاع به‌شمار می‌آید. یا اینکه ضمیر مستتر «هو» در جمله ۸ که در «جعل» وجود داشته و حذف شده، زیرمجموعه حذف قرار می‌گیرد. همچنین کلمه «رب» که در جملات ۲ و ۲۲ تکرار شده است. یا دو کلمه «لا یموت» در جمله ۱۹ و «لا یحیی» در جمله ۲۰ با یکدیگر متضادند. همان گونه که ملاحظه می‌گردد، از بین عوامل انسجام واژگانی برای تشابه و نام‌گذاری، هیچ نمونه‌ای یافت نشده است.





جدول ۳. روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در سوره اعلی

ارجاع	ه در إنه (۱۲) الله (۱۱) / ه (۸) مرعی (۷) ذکری (۱۵) ها (۱۷) / متزکی (۲۱) ه (۲۲-۲۳) / ها در فیها النار (۱۸)	عوامل انسجام دستوری
جانشینی و حذف	هو (۲۳-۲۲) متزکی (۲۱) / هو (۱۸-۱۹-۲۰) أشقی (۱۷) / هو (۳-۴-۵-۶-۷-۸) رب (۲) / نحن (۹) رب (۲) / الله (۱۱) نحن (۱۳) / فیها (۲۰) فیها (۱۹) أنت (۲) / ک (۹) أنت (۱۰) / ک (۱۳) أنت (۱۴) / هذا (۲۶) هذا (۲۷) / کل شیء (۳-۴-۵-۶) / یکون (۲۵-۲۶-۲۷) / القرآن (۹-۱۰) / هم (۱۴) / هذا (۲۶) افلاح من تزکی (۲۱) / هذا (۲۷) افلاح من تزکی (۲۱) / الذی (۲) رب (۷) رب (۲) / الذی (۱۹) أشقی (۱۸)	
تکرار	ک (۹) ک (۱۳) / رب (۲) رب (۲۲) / الله (۱) الله (۱۱) / ذکر (۱۴) سیدکر (۱۶) ذکر (۲۲) / کانت (۱۵) تکون (۲۵-۲۶-۲۷) / ه (۲۳-۲۲)	عوامل انسجام واژگانی
هم معنایی	اسم الله (۱) اسم رب (۲) / ما (۱۱) کل شیء (۳-۴-۵-۶) / کل شیء (۳-۴-۵-۶) الجهر و الخفی (۱۲) / مفیده (۱۵) خیر (۲۵)	
تضاد	لا یموت (۱۹) لایحیی (۲۰) / الحیاة الدنیا (۲۴) الآخرة (۲۵)	
جزء و کل	الرحمن الرحیم (۱) اعلی (۲۰) / ابدء (۱) سبّح (۲) سنقریء (۹) فذکر (۱۴) سیدکر (۱۶) ذکر (۲۲) / صلی (۲۳) فرایند لفظی / خلق (۳) سوی (۴) قَر (۵) أخرج (۷) جعل (۸) نیسَر (۱۳) یتجنّب (۱۷) یصلی (۱۸) لا یموت (۱۹) لایحیی (۲۰) فرایند مادی / مرعی (۷) کل شیء (۶) / کل شیء (۶) أنتم (۲۴) / متزکی (۲۱) خاشع (۱۶) / هدی (۶) لا تنسی (۱۰) / شاء (۱۱) یعلم (۱۲) أفلح (۲۱) تؤثرن (۲۴) فرایند ذهنی	
برابری	صحف الأولی (۲۶) صحف ابراهیم و موسی (۲۷)	
نام گذاری		
تشابه		

در مرحله بعد، عوامل ایجاد کننده انسجام را در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسانی و شباهت قرار می‌دهیم و نمونه‌های مرتبط را محاسبه می‌کنیم. لازم به توضیح است براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن، عوامل انسجام دستوری در زیرمجموعه زنجیره‌های یکسانی قرار می‌گیرند و عوامل انسجام واژگانی، جزء زنجیره‌های شباهت در نظر گرفته می‌شوند. در این مرحله، تنها عوامل انسجامی‌ای





شرکت می‌کنند که در یک زنجیره (ستون)، دست‌کم دو عضو دارند. به عبارت دیگر، شرط شرکت هر یک از این عوامل در این زنجیره‌های انسجامی، داشتن دو عضو یا بیشتر است. چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تنها یک نمونه بدون هم زنجیره (غناءً اُهوری) در جمله ۸ قرار دارد که نمونه جنبی نامیده می‌شود. در نتیجه دیگر نمونه‌ها همگی هم‌زنجیره دارند و توانسته‌اند با دیگر نمونه‌ها گره تشکیل دهند. لازم به توضیح است اگر نمونه‌ای باشد که هم‌زنجیره نداشته باشد، باید از جدول ۴ حذف شود.

در جدول ۴ ارتباط عوامل انسجامی به صورت ستونی نشان داده شده است. واژگانی که در جدول ۳ جزء عوامل انسجام دستوری هستند، در جدول ۴ در زنجیره یکسانی (با علامت اختصاری «ی») مشخص شده‌اند و دیگر واژگان که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی هستند، در زنجیره شباهت (با علامت اختصاری «ش») قرار می‌گیرند. این مسأله به ما کمک می‌کند دریابیم که هر متن، چه میزان از عوامل انسجام دستوری و چه میزان از عوامل انسجام واژگانی را داراست.

در بالای ستون‌هایی که میان واژگان آن هم رابطه یکسانی و هم رابطه شباهت وجود داشته، علامت اختصاری «ی/ش» نوشته شده است. براساس این جدول، تعداد نمونه‌های مرتبط-یعنی عوامل انسجامی هم زنجیره- ۸۶ مورد است.





حال براساس آنچه تاکنون بیان شد، درجه انسجام متن محاسبه می‌گردد. برای این منظور لازم است درصد نمونه‌های مرتبط - دارای ارتباط با دیگر زنجیره‌ها- را نسبت به کل نمونه‌ها بسنجیم. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، کل نمونه‌ها شامل تمام واژه‌های موجود در متن هستند و در واقع عواملی هستند که در جدول ۲ شرکت کرده‌اند. نمونه‌های مرتبط نیز عوامل انسجامی‌ای هستند که در جدول ۴ نشان داده شده و دارای ارتباط با دیگر واژه‌ها هستند. نمونه‌های جنبی نیز عبارتند از واژه یا واژگانی که در جدول ۴، یعنی زنجیره‌های یکسانی و شباهت دیده نمی‌شوند. چنان‌که مشاهده می‌گردد، براساس جدول ۲، کل نمونه‌ها در سوره، ۹۱ مورد است. نمونه‌های مرتبط ۸۹ و نمونه جنبی تنها ۲ مورد (غثاء أهوی (جمله ۸) و لیسری (جمله ۱۳)) است. براین اساس انسجام این سوره، یعنی نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها، $97/80\%$ است. این رقم نشان می‌دهد سوره اعلی براساس الگوی هلیدی و حسن از انسجام بسیار بالایی برخوردار است.

تحلیل انسجام در ترجمه سوره اعلی

در این بخش از شرح مراحل مختلف تحلیل انسجام که پیش‌تر در تحلیل متن اصلی سوره بیان شد، خودداری شده و به ذکر جدول‌های مرتبط بسنده می‌گردد:





جدول ۶. روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در ترجمه سوره اعلی

عوامل انسجام دستوری	ارجاع
	آن خدا (۷) خداوند (۱) / او (۵) پروردگار (۲) / ما (۹) خدا (۷) تو (۷) / تو (۹) پیامبر (۱۰) / تو (۹) / تو (۱۸) / این مواعظ (۳۲) نصایح تو (۱۸) / او (۶) انسان (۵) / شما (۷) انسان (۵) / آنها (۱۷) مردم پند پذیر (۱۵) / چنین کسی (۲۰) فرد جاهل (۱۹) / شما مردم (۳۰) انسان (۵) / آن کس (۲۸) کسی (۲۷) آنچه (۱۲) قرآن (۹) / آن (۱۳) قرآن (۱۹) / آتش جهنم (۲۰) آن آتش (۲۱)
	او (۸-۶-۴) / من (۱) / تو (۱۱-۱۳-۱۶) / این مواعظ (۳۳) / آن را (۱۶) / آنها (۱۸) / او (۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۶-۲۹) / قرآن (۱۰-۱۱) / آمده است (۳۳) / زندگی دنیا (۳۱)
	خداوند (۱۲-۱۴) / نام پروردگار (۲-۲۷) / ای پیامبر (۲-۹) / انسان (۲-۵) / رستگار می شود (۲۶-۲۷) / قرآن (۹-۱۸-۱۹) / است (۱۴-۲۴-۳۱) / آخرت (۳۱-۳۰)
	پندده (۱۵) نصیحت کن (۱۶) / خلق فرمود (۳) ایجاد کرد (۷) / یکسره (۲۴) دائما (۲۷)
	نمی میرد (۲۱) زنده نمی ماند (۲۳) / وارد خواهند شد (۲۰) خلاص شود (۲۲) / فراموش کنی (۱۳) فراموش نکنی (۱۱) / خداترس (۱۷) آلودگی کفر و شرک = کافر (۲۵)
عوامل انسجام واژگانی	جزء و کل
	نعمت بخشنده رحمت گستر (۱) بی همتا در والایی (۲) ذات اقدس (۳) دانای آشکار و نهان (۱۴) / ذکر کند (۲۷) نماز بخواند (۲۸) / آغاز می کنم (۱) ستایش کن (۲) قرائت می کنیم (۹) پندده (۱۵) نصیحت کن (۱۶) ذکر کند (۲۷) نماز بخواند (۲۸) / فرایند لفظی / مردم پندپذیر (۱۵) انسان (۳-۵) / فرد جاهل (۱۹) انسان (۳-۵) / خلق فرمود (۳) اعضای متناسب بخشید (۴) ایجاد کرد (۷) / تبدیل گردانید (۸) عمل خواهند کرد (۱۸) گریزان است (۱۹) / وارد خواهد شد (۲۰) نمی میرد (۲۱) خلاص شود (۲۲) زنده نمی ماند (۲۳) دور شود (۲۵) فرایند مادی / تقدیر اراده فرمود (۵) هدایت کرد (۶) فراموش نکنی (۱۱) اراده فرماید (۱۲) فراموش کنی (۱۳) رستگار می شود (۲۶) رستگار می گردد (۲۹) ترجیح می دهید (۳۰) فرایند ذهنی / چراگاه (۷) چراگاه سبز (۸) / کتاب‌های آسمان پیشینیان (۳۲) صحیفه ابراهیم و موسی (۳۳) / کتاب‌های آسمانی پیشینیان (۳۲) قرآن (۱۹) / نقش بندد (۱۰) آمده است (۳۲-۳۳) فرایند وجودی / است (۱۴-۲۴-۳۱) باشند (۱۷) فرایند ربطی
	برابری
	نام گذاری
	تشابه

با قرار دادن عوامل در زنجیره‌هایی به نام یکسانی و شباهت، می توان نمونه‌های مرتبط را محاسبه نمود.





بررسی و محاسبه داده‌های به دست آمده از جدول‌ها

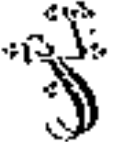
در این بخش براساس جدول‌های مربوط به روابط عوامل انسجامی در سوره اعلی و ترجمه آن، به بررسی کمی این عوامل خواهیم پرداخت. با استفاده از روش‌های آماری «توزیع فراوانی و درصد»، بسامد هر یک از عوامل دستوری و واژگانی محاسبه گشته و در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در سوره اعلی و ترجمه آن

نام	عوامل دستوری		عوامل واژگانی							
	فراوانی درصد	ارجاع و حذف	جانشینی و حذف	تکرار	جزء و کل	هم معنایی	برابری	تضاد	نام گذاری	نشان
سوره اعلی	فراوانی عوامل	۶۰	۳۹/۱۳۴	۶۵	۳۹	۱۴	۲	۴	-	-
	درصد	۱۳/۱۳	۳۹/۱۳۴	۱۴/۱۹	۲۰/۲۰	۹/۱۷۵	۱/۱۶۲	۱۳/۲۵	-	-
ترجمه سوره اعلی	فراوانی عوامل	۳۰	۲۰	۱۸	۵۰	۶	-	۸	-	-
	درصد	۱۳/۱۳	۱۳/۱۳	۱۳/۱۳	۱۳/۱۳	۱۳/۱۳	-	۱۳/۱۳	-	-
سوره اعلی	درصد کلی	۳۷/۹۹		۵۲/۰۱						
ترجمه سوره اعلی	درصد کلی	۳۷/۱۳		۲۹/۱۹						

جدول ۸ نشان دهنده تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی میان سوره اعلی و ترجمه آن است. بدین معنا که بسامد عوامل انسجام واژگانی در هر دو متن از بسامد عوامل دستوری بالاتر است؛ به نحوی که این تفاوت در ترجمه بیشتر به چشم می‌خورد. شاید بتوان تفسیری بودن ترجمه صفارزاده و تلاش وی در آشکار سازی مفهوم آیات را یکی از دلایل این امر تلقی نمود. از سویی دیگر هر قدر تعداد عوامل انسجام دستوری بیشتر باشد، متن منسجم تر به نظر می‌رسد، همچنان که رقیه حسن این عوامل را جامع متن برشمرده است (هلیدی و حسن، ۸۵). در مقابل کثرت عوامل انسجام واژگانی سبب می‌شوند که یک متن با انسجام کمتری به نظر برسد. علاوه بر این با مقایسه عوامل انسجام دستوری معلوم می‌شود بسامد عامل جانشینی و حذف در سوره تقریباً ۲/۵ برابر ترجمه است. شاید علت بالا بودن





نسبت حذف در سوره این باشد که ضمیر مستتر که در زبان عربی بسیار پرکاربرد است، در ساختار زبان فارسی کمتر به کار می‌رود. در میان عوامل واژگانی، جزء و کل و همچنین تکرار، هم در سوره و هم در ترجمه، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحثی که در این پژوهش مطرح گردید، اکنون می‌توان به سؤالات تحقیق چنین پاسخ داد:

- بر پایه نظریه انسجام و پیوستگی، انسجام سوره اعلی (با وجود مضامین متنوع) و ترجمه آن چه میزان است؟

انسجام در سوره اعلی $97/80\%$ و در ترجمه $99/04\%$ است. لازم به ذکر است با توجه به اینکه تعداد نمونه‌های جنبی در هر دو متن بسیار اندک است، از این رو درصد انسجام بسیار نزدیک به هم، یعنی با حدود 1% اختلاف به دست آمده است. علت این تفاوت را علاوه بر تعداد نمونه‌های جنبی، در تعداد کل نمونه‌ها نیز می‌توان جست‌وجو کرد. بدین معنا که تعداد کل در ترجمه سوره (۱۰۵) از تعداد کل در سوره (۹۱) بیشتر بوده و از این رو درصد انسجام در ترجمه، اندکی متفاوت است.

- عوامل انسجام متن در سوره اعلی و ترجمه آن کدامند؟

عوامل انسجام متن در سوره اعلی به ترتیب عبارتند از: ارجاع، جانیشینی و حذف، تکرار، هم‌معنایی، جزء و کل، برابری و تضاد.

عوامل انسجام متن در ترجمه سوره اعلی به ترتیب عبارتند از: ارجاع، جانیشینی و حذف، تکرار، هم‌معنایی، جزء و کل، برابری، تشابه و تضاد.

- کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی با ترجمه آن چه تفاوت‌ها و چه شباهت‌هایی دارد؟

در هر دو متن، بسامد عوامل انسجام واژگانی بالاتر از بسامد عوامل دستوری است که این تفاوت در ترجمه سوره بیشتر است.

از میان عوامل انسجام واژگانی، برابری - هرچند با نسبت پایین - در سوره به‌کار رفته، در حالی که در ترجمه به‌کار نرفته است.





از میان عوامل انسجام واژگانی، جزء و کل و تکرار در هر دو متن از بسامد بالایی برخوردار است که با هدف هدایت‌بخشی و تربیتی متن نیز هماهنگ است.

از میان عوامل انسجام دستوری به کار رفته در سوره، بسامد جانمایی و حذف نسبت به ارجاع به نحو قابل ملاحظه‌ای بالاتر است، درحالی که این نسبت در ترجمه سوره عکس این مسأله را - البته با تفاوتی کمتر - نشان می‌دهد.

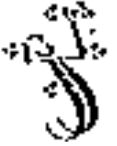
- با توجه به عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن، صفارزاده تا چه میزان در ترجمه این سوره موفق بوده است؟

به‌طور کلی نزدیک بودن نسبت عوامل انسجام واژگانی و دستوری در هر دو متن نشان می‌دهد مترجم در انتقال مفاهیم آیات سعی داشته از ساختار متن اصلی تبعیت نماید که البته مقایسه درصد انسجام سوره (۹۸/۸۵٪) با درصد انسجام ترجمه (۹۹/۰۴٪)، ضمن تأیید این امر می‌تواند حاکی از موفقیت صفارزاده در ترجمه سوره و انتقال مفاهیم آن نیز باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای اطلاع بیشتر رک: محمدحسن زمانی و علی قانع اردکانی، «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»، مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲، ۱۳۹۱.
۲. سوره مبارکه اعلی در جزء سی‌ام قرآن کریم قرار دارد و مشتمل بر نوزده آیه است. این سوره از سوره‌های مکی قرآن است که در آن از موضوعات گوناگونی از جمله تسبیح خداوند، آفرینش موجودات، تقدیر و هدایت موجودات، آفرینش چراگاه‌ها، نزول قرآن و اسلام، اهمیت یادآوری، جهنم و عاقبت رویگردانی از هدایت، نماز، اهمیت آخرت، شرط رستگاری و کتاب‌های آسمانی پیش از قرآن سخن به میان آمده است.
۳. طاهره صفارزاده، (۱۳۱۵-۱۳۸۷ش) شاعر، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم است. وی پس از کسب مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عنوان استاد نمونه به وی اعطا شد و در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه قرآن به انگلیسی و فارسی، عنوان «خادم‌القرآن» را کسب کرد. او در سال ۲۰۰۵، از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر، به‌عنوان برترین زن مسلمان برگزیده شد. طاهره صفارزاده پایه‌گذار





آموزش ترجمه به‌عنوان یک علم و برگزار کننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود.

اگرچه سابقه برگردان آثار ادبی و مذهبی به ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد، اما تا اوایل دهه ۱۹۶۰، ترجمه، حرفه‌ای ذوقی و غیر آکادمیک به‌شمار می‌رفت و تدریس آن به برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های مغرب زمین راه نیافته بود. دانشگاه «آیوا» بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته‌های زبان و ادبیات اقدام ورزید. صفارزاده در کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید»، به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی - یعنی عدم ایجاد ارتباط نام‌های خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن - دست یافته است که این تشخیص می‌تواند سرآغاز تحولی در ترجمه کلام الهی به زبان‌های مختلف باشد. لذا ضمن برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی، به پیشنهاد او درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه گنجانده شد و تدریس این واحد درسی موجب توجه این استاد ترجمه به اشکال‌های معادلیابی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن مجید گردید. این برخورد علمی او را برانگیخت که به خدمت ترجمه قرآن به دو زبان انگلیسی و فارسی همّت گمارد. «قرآن حکیم» حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن مجید، آموختن زبان عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به کلام الهی برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه آن به دو زبان پایان گرفت. شرح این توفیق در مقدمه کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» و نیز دو مقدمه فارسی و انگلیسی «قرآن حکیم» آمده است.

4. "Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective".

منابع و مأخذ:

۱. ابن ندیم، ابن وهب کاتب؛ نقد النثر [=البرهان فی وجوه البیان]، منسوب به قدامة بن جعفر، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۲م.
۲. احمد بدوی، احمد؛ عبدالقاهر الجرجانی و جهوده فی البلاغة العربیة، قاهره، المؤسسة المصریة العامة، ۱۳۸۱ق.
۳. اسماعیلی زاده، عباس؛ نساج، مریم؛ «ارتباط و پیوستگی آیات قرآن در سیر تاریخی آن»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۴، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶۸-۱۵۱.





۴. باقلانی؛ تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، بیروت، چاپ عمادالدین احمد حیدر، ۱۹۹۳م.
۵. باطنی، محمدرضا؛ «زبان و تفکر»، مجموعه مقالات زبان‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳ش.
۶. جاحظ، عمرو بن بحر؛ البیان و التبیان، بیروت، چاپ عبدالسلام محمد هارون، ۱۹۴۸م.
۷. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان؛ دلائل الاعجاز، بیروت، چاپ محمد رشید رضا، ۱۳۹۸ق.
۸. خامه‌گر، محمد؛ «تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن: روشی نوین در تفسیر و فهم آیات»، گلستان قرآن، شماره ۵۶، ۱۳۸۰ش، ص ۴۰-۳۶.
۹. خرماشاهی، بهاء‌الدین؛ ذهن و زبان حافظ، تهران، مهارت، ۱۳۷۴ش.
۱۰. خوش‌منش، ابوالفضل؛ «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق‌شناسان و آیت الله طالقانی»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۸، ۱۳۸۹ش، ص ۵۰-۳۳.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین؛ نقد ادبی: جستجو در اصول و روش‌ها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
۱۲. زمانی، محمدحسن؛ قانعی اردکانی، علی؛ «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲، ۱۳۹۱ش، ص ۷۶-۵۷.
۱۳. ضیف، شوقی؛ البلاغه: تطور و تاریخ، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۶م.
۱۴. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن، بی‌جا، شرکت سهامی انتشار، بی‌تا.
۱۵. قاضی عبدالجبار؛ المغنی فی ابواب التوحید و العدل، قاهره، چاپ امین خولی، ۱۹۶۰م.
۱۶. لوبون، گوستاو؛ تمدن اسلام و عرب، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۴۷ش.
17. - Salkie, Raphael: **Text and Discourse Analysis**, London & New York, Routledge, 1995.
18. - Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan: **Cohesion in English**, London, Longman, 1976.
19. - -----: **Language, Context and Text: Aspect of Language in a Social Semiotic Perspective**. Oxford University Press, 1985.
20. - Halliday, M. A. K: **An Introduction to Functional Grammar**, London, Edward Arnold, 1985.
21. - Hasan, R: "Coherence and Cohesive Harmony", In J. Flood (ed.), **Understanding Reading Comprehension**. I.R.A. Newark, Delaware, 1984.

